مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۸،
دوره اول،
سال پنجم،
پاییز ۱۳۹۹،
صص ۲۴-۴۰

رویکرد تطبیقی به مبانی نظری نهاد تعویق صدور حکم در ایران و انگلستان چالش ها و راهکارها)

هدیه فروزان فرد[۱]

چکیده

کیفرحبس ازجمله واکنش‌های اجتماعی است که پس از مجازات اعدام درراستای مبارزه با بزهکاران وایجاد نظم و امنیت اعمال میگردد این مجازات درقرن هیجدهم به عنوان مناسبترین جانشین انوع کیفرمرگ مورد توجه قرارگرفت، با بروز عوارض ناگوار زندان‌ها هم اکنون توسل به شیوه‌های جایگزین زندان مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است که این امر نشان گر شکست زندان‌ها به عنوان مکانی واحد در بازپروری و اصلاح مجرمین محسوب میگردد که مهم ترین اهداف مجازات‌ها هست. سرانجام این قرار به اقناع دادگاه بر موفقیت یا عدم موفقیت مرتکب پس از ارزیابی میزان تبعیت از الزامات قانونی بستگی دارد که حسب مورد می‌تواند معافیت از مجازات و یا حکم به آن باشد صاحبنظران حقوق کیفری به منظور بهبود کارآیی رسیدگی‌های قضایی از مرحله کشف جرم و تعقیب تا صدور حکم و اجرای آن، نهادها و اصول متعددی را پیش بینی نموده اند. اصل موقعیت داشتن تعقیب، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط برخی از این اصول می‌باشند. از میان این نهادها، نهاد تعلیق تعقیب که از مصادیق اصل موقعیت داشتن تعقیب می‌باشد و نهاد تعویق صدور حکم در حبس زدایی و تامین مهمترین اهداف دستگاه عدالت کیفری که اصلاح، بازپروری مجرمین و کنترل بزه است بسیار موثر می‌باشند. در این جستاذ به قوانین مصوب در زمینه تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم در کشور ایران و مطالعه تطبیقی آن با قوانین کشور انگلیس و شرایط و آثار آنها پرداخته شده است و با بررسی مقررات این نهاد و مقایسه آن با قوانین انگلستان شباهت‌ها و تفاوت هایی مشاهده می‌شود که با تحقیق کتابخانه‌ای و با تجزیه و تحلیل قوانین دو کشور نتایج آن نشان از نزدیکی رویکرد نهاد مذکور در کشورهای مورد بررسی را میدهد و مبنای اصلی این نهاد، که جلوگیری از آثار سوء حبس می‌باشد در دو کشور توانسته در کنار این نکته جرم بدون مجازات معنا ندارد تاثیرات منفی و آثار سوء آن را به طور چشمگیری در دو کشور کاهش دهد.

کلمات کلیدی:تعویق صدور حکم، قانون مجازات اسلامی، حقوق انگلستان، مجرمین غیرخطرناک، برچسب مجرمانه

[۱] دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد مشهد مقدس (نویسنده مسئول)

hedieh.fzn.law@gmail.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

در چند دهه اخیر تاریخ زندگی بشر، نظرات جدیدی در خصوص جرایم و مجازات‌ها ابراز شده است. جوامع کنونی در سیاست جنایی خود تلاش دارند تا با تدابیر مختلفی همچون جرم زدایی و قضازدایی از برخی انحرافات اجتماعی جلوگیری کنند و همچنین با استفاده از تدابیر اداری و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به جای ضمانت اجرای جزایی، به تنظیم هنجارهای اجتماعی بپردازند. مجازات بیش از عقوبت و تنبیه، به اصلاح بزهکاران می‌اندیشد. به همین دلیل، زمانی که اجرای مجازات ضرورت ویژه‌ای نداشته باشد و یا اینکه اعطای فرصتی دیگر به بزهکار جهت جبران مافات، مناسب باشد و عمل ارتکابی فرد محکوم نیز، از جرایم مهم نباشد سیاست کیفری کشورهای مختلف متمایل به نرمش در اجرای مجازات می‌شود. یکی از این سیاست‌ها تعویق صدور حکم می‌باشد. اساساً واکنش اجتماعی در قبال پدیده مجرمانه به شکل مجازات و اقدامات تامینی ظهور می‌کند و این واکنش تحقق اهداف مجازات‌ها را به دنبال دارد. تامین این اهداف تنها در صورتی امکانپذیر خواهد بود که مجازات‌ها با سرعت و فوریت اجرا شده و از قطعیت و حتمیت لازم برخوردار باشد مع الوصف در برخی موارد بنا به ضرورت و به جهت تعارض اصل فوریت با دیگر اصول حاکم بر مجازات ها، اجرای حکم با تاخیر رو به رو بوده و یا به لحاظ توجه به شخصیت مجرم و تحقق اهداف مجازات‌ها با روش‌های غیرکیفری، اجرای حکم با تعویق همراه است. قانونگذار ایران به منظور بهره گیری از مزایای این نهاد و در راستای راهبرد اصلاح بزهکاران و پیشگیری از جرم(بند۵اصل ۱۵۶قانون اساسی) و با گرایش به سوی حقوق کیفری قراردادی شده، نخستین بار در فصل پنجم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲ این نهاد را با الهام از حقوق جنایی اروپایی به رسمیت شناخته است.در این پژوهش با توجه به نوظهور بودن این نهاد در ایران،مفهوم،شرایط و مبانی این نهاد را در پرتو مطالعه تطبیقی با قوانین کشور انگلستان بررسی خواهیم کرد.

۲. تعاریف مفاهیم

۲-۱. مفهوم لغوی تعویق صدور حکم

تعویق واژه‌ای عربی است، که در لغت به معنای، بازداشتن، به تأخیر انداختن، عقب انداختن، به زمان دیگری موکول کردن، درنگ کردن در کاری و وقفه آمده است. [۱]

۲-۲. مفهوم اصطلاحی تعویق صدور حکم

مفهوم اصطلاحی «تعویق صدور حکم یعنی به تأخیر انداختن صدور حکم، قانونگذار در خصوص برخی از جرایم با وجود شرایطی به دادگاه اجازه داده است که صدورحکم را به تعویق اندازد. به عبارت دیگر، قاضی می‌تواند [در مورد متهمین] با وجود شرایط مقرّر در قانون، صدور حکم را به تأخیر انداخته و از آنها ضمانت حسن رفتار در مدّت معین مطالبه نماید. چنانچه در مدّت مزبور

[۱] – دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ص ۷۵۵.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

رفتار وی پسندیده بود قاضی به طور قطع از صدور حکم خودداری می‌کند ولی هرگاه قصوری از وی ملاحظه شد و نقض عهد کرد قاضی اقدام به صدور حکم می‌کند.»[1] لازم به ذکر است، که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تعریفی از تعویق صدور حکم ارائه نکرده است ولی می‌توان تعویق صدور حکم را چنین تعریف کرد : تعویق صدور حکم عبارت است از، اختیار دادگاه صالح، در صادر نکردن حکم محکومیّت کیفری در مدّت زمان مشخص [شش ماه تا دو سال] برای متهمی که ارتکاب جرم از سوی وی مسلم است. در خصوص برخی جرائم [تعزیری درجه شش تا هشت] با وجود شرایط مقرّر در قانون به منظور اصلاح رفتار و باز اجتماعی کردن بزهکار. بنابراین با توجه به عبارت « دادگاه می‌تواند...» در ماده ٤٠ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان گفت که نهاد تعویق صدور حکم نهادی اختیاری است و اعمال آن فقط برای دادگاه پیش بینی شده است یعنی دادگاه در اعمال یا عدم اعمال آن مخیر است لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعمال این نهاد جزء تکالیف بزهکار به شمار می‌آید نه حقوقش زیرا رضایت یا عدم رضایت وی شرط نیست و او مکلف به رعایت آن است. پس در اصطلاح حقوقی تعویق به معنای عقب انداختن صدور حکم است. [2]

۳. پیشینه پژوهش

عالی‌پور و توحیدی نافع (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان تعویق صدور حکم: تأخیر در اجرای عدالت یا تغییر در اجرای عدالت، به این نتیجه رسیدند که تعویق صدور حکم وضعیتی حساس برای محکوم پدید می‌آورد که از یک سو نگران غیر روشن بودن کیفر و از سوی دیگر در پی تن دادن به قوانین کیفری و انجام دستورهای دادگاه است. این وضعیت کمتر از تحمل کیفر نیست و در عین حال می‌تواند به نفع بزه‌دیده و جامعه باشد؛ زیرا پرداخت زیان‌های وارده به بزه‌دیده از سوی محکوم و نیز جنبه‌های اقتصادی جایگزینی تعویق صدور حکم در قیاس با هزینه‌های دنبال کردن رسیدگی کیفری و اجرای کیفرها به ویژه زندان، از بایستگی‌های صدور قرار تعویق صدور حکم است. همچنین توجهی و کوره‌پز (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه به این نتیجه رسیدند که نهاد تعویق صدور حکم، تأسیسی نوین است که در این چارچوب از سیستم حقوقی فرانسه اقتباس شده است و تا پیش از این، هیچ سابقه‌ای در متون قانونیِ ایران نداشته است. نهاد مذکور که تنها در ارتباط با مجرمین غیرخطرناک (به ویژه اطفال) مورد استفاده قرار می‌گیرد، با هدف جلوگیری از مجرم خطاب کردن این دسته از بزهکاران و مساعدت در جهت اصلاح و بازپروری آنان، تنظیم شده است. همتیار (۱۳۹۰) در پژوهشی بررسی تطبیقی انواع مجازات‌ها در نظام حقوقی ایران و انگلستان به این نتیجه رسیدند که قاضی اگر در تعیین نوع و میزان کیفر از محدوده‌ی انتخاب متنوع و قابل قبولی برخوردار باشد، قطعاً می‌تواند اهداف گوناگون مجازات‌ها را با دقت بیشتری مدنظر قرار دهد. در سال‌های اخیر در نظام حقوقی انگلستان و ولز به دلیل تغییرات اساسی‌ای که در قوانین مهم کیفری آنها ایجاد شده، مجازات‌های متنوّعی جهت بهبود در کارکرد مجازات‌ها ایجاد شده است.

[1] – ساوللانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، چاپ اوّل، انتشارات میزان، تهران ۱۳۹۱، ص ۳۷۱.

[2] – شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، زمستان چاپ ششم، جلد دوّم، ۱۳۸۳، ص ۵۲۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٤. چارچوب نظری پژوهش

تعویق صدور حکم مبتنی بر مبانی نظری خاص خود در حقوق کیفری می‌باشد. هر چند استخراج مبانی نهاد مذکور، بسیار مشکل است، با این وجود، اهتمام بر آن بوده تا مبانی نظری جرم شناسی نهاد تعویق صدور حکم مورد کنکاش ژرف قرار گیرد.

٤-١. نظریه‌های واکنش اجتماعی

واکنش اجتماعی اصطلاح حقوقی نیست این واژه یک اصطلاح جامعه شناسی است که اوّلین بار توسط جرم شناسان آمریکایی بکار برده شده و به دو معنا در جرم شناسی به کار می‌رود:

- واکنش اجتماعی مردم علیه جرم، یعنی مشارکت مردم در پیشگیری از جرم و مقابله با آن، این معنی در این نظریه مورد توجه ما نیست.
- واکنش اجتماعی دولتی علیه جرم که در برگیرنده‌ی سلسله اقداماتی است که دولت و قوای عمومی برای مبارزه با جرم و به طور کلی کنترل آن اعمال می‌نمایند.

در نگاه اوّل، این واکنش‌ها عبارتند از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که در عمل مستلزم سیاست‌گذاری و فعالیّت یک سلسله نهادهای تقنینی، [1] قضایی، اجرایی و اداری است تا واکنش اجتماعی بوجود آمده و سپس به اجرا گذاشته شود و مستلزم آن چیزی است که به آن قوه مقننه، قوه قضائیه و تا حدی قوه مجریه می‌گوییم و شامل نهادهای مختلفی می‌شود. ۱- قانون گذار ۲- قانون مجازات ۳- پلیس ٤- دادسرا ٥- دادگاه ٦- مقام قضایی اجرای حکم ۷- مقام اداری ۸- زندانها.

در جرم شناسی واکنش اجتماعی، فرضیه عبرت آموزی مجازات و پیشگیری اوّلیه وثانویه با استفاده از ابزارهای قهرآمیز کیفری در فرآیند اجرای سیکل جنایی مورد انکار قرار می‌گیرد.

٤-٢. نظریه‌های غیر واکنشی اجتماعی

نظریه‌های غیر واکنشی اجتماعی شامل نظریه عقلانیت و نظریه عدالت ترمیمی می‌باشد که در این قسمت قید می‌گردند.

٤-٢-١- نظریه عقلانیّت

نظریه عقلانیّت شامل مطالعاتی است که در صدد ارائه چهارچوبی معقول برای رفتارهای اجتماعی می‌باشد. این نظریه اکنون محور مطالعاتی بنیادین در عرصه‌های علوم سیاسی، جامعه شناسی، فلسفه و سایر علوم است. معقول بودن ناظر به انتخاب فرد و سیستم

[1] - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات مباحثی در علوم جنایی (نظریه های جرم شناسی)، (به کوشش شهرام ابراهیمی)، دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویراست هفتم، آذرماه ۱۳۹۱، ص ۱۸۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و یا هر دو است. بنابراین، همانگونه که بزهکار یا بزه دیده در سیستم عدالت کیفری از روی عقلانیّت تصمیم می‌گیرد. سازمان عدالت کیفری نیز باید از روی عقلانیّت تصمیم‌گیری نماید. برای مثال، محکوم علیه در مرحله اعتراض به حکم، سود وزیان خود را می‌سنجد و معقول تصمیم می‌گیرد یا بزه دیده در تصمیم به تعقیب، شرایط را می‌سنجد و اقدام به تعقیب می‌نماید. بدینسان، براساس نظریه عقلانیّت تصمیمات سیستم عدالت کیفری چه در مرحله تعقیب چه در مرحله رسیدگی و چه در مرحله اجرا معقول می‌گردد.[1] از این‌رو، به نظر می‌رسد از آنجاییکه نظریه عقلانیّت معتقد است که تمام رفتارهای انسانی در همه‌ی عرصه‌های فردی و اجتماعی را می‌توان با محاسبات عقلانی پیش بینی کرد. چرا که همه‌ی انسان‌ها عقلانی عمل می‌کنند. لذا، در این راستا و براساس نظریه عام عقلانیّت لازم است تصمیم مقامات قضایی دائر بر رسیدگی به شکلی معقول و با محاسبه سود و زیان انجام پذیرد.

٤-٢-٢. نظریه عدالت ترمیمي

در این قسمت ابتدا به تعریف عدالت ترمیمی می‌پردازیم سپس انواع عدالت ترمیمی را مورد بررسی قرار داده و آن را توضیح می‌دهیم. «هوارد زهر[2]» در تعریف عدالت ترمیمی در اثر خود کتاب کوچک عدالت ترمیمی می‌نویسد: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانیکه دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان پذیر است اقدام نمایند».

٥. انواع تعویق در ایران و انگلستان

در مقررات کیفری انگلستان سه نوع تعویق مجازات پیش بینی گردیده است. تعویق قطعی مجازات[3] و تعویق مشروط مجازات[4] در جرایم کم‌اهمیت و تعویق مجازات کلیه جرایم[5] انواع این تصمیمات است. در مقررات لایحه قانون مجازات اسلامی نیز قرار تعویق مجازات به دو گونه‌ی قرار تعویق ساده و مراقبتی پیش بینی گردیده است که به شرح آتی خصوصیات و تفاوت هر یک از آنها در دو نظام کیفری بیان می‌گردد.

٥-١. انواع تعویق در ایران

مطابق ماده (٤١) قانون مجازات اسلامی نهاد تعویق به دو شکل ساده و مراقبتی می‌باشد.

---

[1] – شیدائیان، مهدی، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام، رساله دکتری دانشکده پردیس قم، ۱۳۸۸، صص ۱۸۵-۱۸٤.

[2] Zehr, Howard

[3] absolute discharge order

[4] conditional discharge order

[5] Deferred sentences

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۵-۱-۱. تعویق ساده

در تعویق ساده شخص مرتکب به طور کتبی متعهد میگردد در مدّت تعیین شده به وسیله دادگاه مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود.

۵-۱-۲. تعویق مراقبتی

در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده مرتکب متعهد می‌گردد دستورات و تدابیر مقرّرشده به وسیله دادگاه را در مدّت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد. با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی این‌طور به نظر می‌رسد که تعویق ساده شرایطی را مانند تعویق مراقبتی به مجرم تحمیل نمی‌کند و مرتکب تنها متعهد می‌گردد در مدتی که دادگاه تعیین نموده مرتکب جرم نگردد و از رفتار وی نیز چنین پیش بینی شود که در اینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود(بند الف ماده ٤١) ما در تعویق مراقبتی مرتکب علاوه بر تعهد به عدم ارتکاب جرم، مجبور به انجام تدابیر و اقداماتی می‌شود که دادگاه برای او تعیین می‌نماید. این تدابیر که در مواد ٤٢ و ٤٣ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مطرح شده اند به دو صورت می‌باشند:

الف-تدابیری که باید در دوره تعویق حتما رعایت شوند و صدور قرار تعویق مراقبتی بدون اعمال تدابیر مذکور به عمل نخواهد آمد که از آنها تحت عنوان تدابیر مراقبتی الزامی یاد می‌کنیم و در م ٤٢ قانون مجازات اسلامی مطرح شده اند:

۱. حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر.
۲. ارایه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکاری اجتماعی.
۳. اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابجایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارایه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی.
٤. کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور

با توجه به این ماده به نظر می‌رسد که این تدابیر:

اولاً: به صورت یکجا در نظر گرفته می‌شوند نه این که فقط یک یا دو مورد از آن لحاظ شود.

ثانیاً: جنبه حصری دارند و قاضی نمی‌تواند خارج از مقررات این ماده تصمیم بگیرد مگر تدابیر دیگری در جهت حمایت از مرتکب در نظر گرفته شده باشد.

ب-تدابیری که دادگاه در صدورشان مختار بوده و می‌تواند در طول دوره تعویق به موجب ماده ٤٣ از متهم خواستار انجام آنها شود که آنها را تدابیر مراقبتی اختیاری می‌نامیم و در م ٤٣ قانون مجازات اسلامی بیان شده اند:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

طبق ماده ٤٣ ق.م.ا دادگاه می‌تواند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورات مراقبتی در مدت تعویق ملزم کند البته این دستورات با توجه به نوع جرم شخص مجرم و وضعیت زندگی او تعیین می‌شود و اعمال یا عدم اعمال آن در اختیار دادگاه است.این دستورات شامل موارد زیر می‌باشد:

١. حرفه اموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص
٢. اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
٣. درمان بیماری یا ترک اعتیاد
٤. پرداخت نفقه افراد واجب النفقه
٥. خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
٦. خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتکب با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل موثر در آن
٧. خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه
٨. گذراندن دوره یا دوره‌های خاص اموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

با توجه به این ماده مشخص می‌شود که دادگاه در اعمال دستورات محدودیتی نداشته و مخیر است رعایت یک یا چند مورد از دستورات مقرر را برای مرتکب اعمال کند. در صورتی که دادگاه رعایت این دستورات را از مجرم بخواهد و وی دستورات داده شده را رعایت کند پس از پایان مدت تعویق از مجازات معاف می‌شود.

٥-٢. انواع تعویق در انگلستان

همانطور که گفته شد در نظام کیفری انگلستان سه نوع تعویق مجازات در نظر گرفته شده که درذیل بررسی می‌شود:

٥-٢-١. تعویق قطعی مجازات

این تعویق بدان معناست که دادگاه صالح می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم بدون آنکه برای وی مجازات تعیین کند مجازات او را به تاخیر انداخته و مجرم را بدون قید و شرط ازاد کند. این نوع تصمیم در پایین ترین سلسله مراتب مجازات‌ها قرار دارد و برای مجرمینی صادر می‌شود که جرایم آنها دارای کمترین سرزنش اخلاقی است و منافع عموم نیز تعقیب آنها را ایجاب نمی‌کند. این نوع مجازات اصولاً در جرایم کم‌اهمیت و برای مجرمینی که دارای حالت خطرناک کمتری هستند و قوای عمومی جامعه آنها را نیازمند تعقیب نمی‌بیند صادر می‌شود که در آن نه تنها هیچ محدودیت رفتاری برای مجرم قید نمی‌گردد بلکه سابقه کیفری برای او نیز محسوب نخواهد شد. مدت این تعویق حداکثر ٣ سال است که دادگاه از تاریخ صدور حکم مجرم را ملزم می‌نماید در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۵-۲-۲. تعویق مشروط مجازات در جرایم کم اهمیت

پس از صدور تعویق مشروط مجازات، مجرم مکلف است در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نگردد و اگر به تعهد خود عمل ننماید تعویق مجازات وی لغو و علاوه برمجازات جرم ارتکابی جدید به مجازات جرمی که مجازات تعویق مشروط برای آن صادر گردیده نیز محکوم خواهد شد. این نوع تصمیم در این کشور از نظر سلسله مراتب شدت مجازات‌ها در رتبه بعد از تعویق قطعی مجازات و در مرتبه قبل از مجازات جزای نقدی قرار دارد و برای آن دسته از مجرمانی صادر می‌گردد که همانند تعویق قطعی مجازات، شدت جرم ارتکابی آنها کم و از قابلیت سرزنش زیادی برخوردار نیستند. مدت این تعویق هم حداکثر ۳ سال است که دادگاه از تاریخ صدور حکم مجرم را ملزم می‌کند در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشود. با توجه به مطالبی که گفته شد نگارنده بر این باور است که تنها تفاوت بین تعویق قطعی مجازات و تعویق مشروط مجازات در نظام کیفری انگلستان آن است که در تعویق مشروط دادگاه تا حداکثر ۳ سال از صدور این حکم مجرم را ملزم می‌نماید در مدت تعیین شده مرتکب جرمی نشود و الا علاوه بر تعیین کیفر برای جرمی که مرتکب شده برای آن جرمی که صدور حکم مجازاتش به تاخیر افتاده نیز مجازات تعیین و هر دو مجازات اجرا خواهند شد.

۵-۲-۳. تعویق مجازات کلیه جرایم

۱. در این تصمیم اختیار به تاخیر انداختن مجازات مختص به کلیه جرایم است نه فقط جرایم سبک درحالی که تعویق قطعی و تعویق مشروط مختص به جرایم سبک است. در این تعویق دادگاه اختیار دارد ضمن تعویق مجازات، مجرم را با رضایت خودش به الزاماتی ملزم کند (مواد ۱و ۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰) که این الزامات در م ۱۷۷ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ بدین شرح پیش‌بینی شده است:

۱- شرط کار بدون مزد
۲- شرط انجام فعالیت خاص
۳- شرط شرکت در یک برنامه معین
٤- شرط ممنوعیت انجام یک فعالیت معین
۵- شرط منع رفت و امد در ساعات معین
٦- شرط ممنوعیت از حضور در مکان معین
۷- شرط اقامت در یک مکان معین
۸- شرط درمان سلامت روانی
۹- شرط بازپروری برای افراد معتاد به مواد مخدر
۱۰- درمان اعتیاد به مشروبات الکلی
۱۱- شرط نظارت
۱۲- شرط حضور در مراکز مراقبت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مدت این تعویق حداکثر ٦ ماه می‌باشد و مجرم بعد از آن به دادگاه احضار شده و دادگاه با توجه به میزان اجرای دستورات، مجازات متناسب برای وی تعیین می‌کند در حالی که در مقررات تعویق قطعی مجازات مجرم بدون قید و شرط ازاد و در تعویق مشروط در صورتی که مرتکب جرمی در مدت تعویق نشود بلاقید ازاد می‌گردد. با توجه به مطالب مذکور در فوق تفاوت‌هایی که درباره نهاد تعویق بین نظام حقوقی ایران و انگلستان معلوم می‌گردد عبارت است از:

الف- تفاوت در انواع تعویق که در ایران به دو صورت ساده و مراقبتی و در انگلستان به سه صورت تعویق قطعی مجازات، تعویق مشروط مجازات در جرایم کم اهمیت و تعویق مجازات کلیه جرایم است.

ب- تفاوت در مدت تعویق که در ایران از ٦ ماه تا ٢ سال و در انگلستان در تعویق قطعی و مشروط حداکثر ٣ سال و در تعویق مجازات کلیه جرایم حداکثر ٦ماه می‌باشد.

٦. قیاس تطبیقی شرایط شکلی تعویق در حقوق ایران و انگلستان

٦-١. شرایط شکلی تعویق در ایران

پس از اینکه قاضی دادگاه با بررسی ماهوی، شروط هفت گانه‌ای که ذکر نمودیم را احراز و فرد را برای اعطای تعویق مناسب دید، از جهت شکلی نیز باید شرایطی را رعایت نماید که این شرایط بسته به اعتبار مرتکب و مرجع قضایی متفاوت می‌باشد، ازجمله : به اعتبار مرتکب و به اعتبار به اعتبار مرجع قضایی.

١: **تعهد کتبی مرتکب** : یکی از شرایط شکلی‌ای که باید توسط دادگاه به هنگام اعطای تعویق رعایت گردد، تعهد کتبی مرتکب مبنی بر عدم ارتکاب جرم در مدت تعویق می‌باشد. این شرط در ماده ٤٠ لایحه بیان گردیده است. ماده ٤٠ : «... در تعویق ساده، مرتکب کتباً متعهد می‌گردد در مدت تعین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرم نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد...». همانطور که بیان شده است این شرط از شرایط تعویق ساده می‌باشد. در تعویق مراقبتی نیز علاوه بر تعهد کتبی مرتکب مبنی بر عدم ارتکاب جرم در مدت زمان تعویق، تعهد وی دائر بر رعایت یا به موقع اجرا گذاردن دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه در مدت تعویق الزامی است. حال این تعهد کتبی می‌تواند مستقیماً توسط دادگاه در صورت جلسه‌های تنظیمی به هنگام رسیدگی منعکس گردد، یا به موجب برگه‌های تنظیمی توسط دفاتر اسناد رسمی باشد. به نظر می‌رسد هدف از این مورد (رعایت شرایط شکلی)، آگاهی و تنبیه بیشتر مرتکب از نتایج جرم، یا عدم رعایت دستورات و تدابیر مقرر شده توسط دادگاه، می‌باشد.

٢: **صدور قرار به صورت حضوری**: یکی از شرایط شکلی بسیار مهمی که باید به هنگام صدور قرار تعویق رعایت گردد. حضور مرتکب در جلسه دادگاه می‌باشد. این شرط از تبصره ١ ماده ٤٠ لایحه برداشت می‌شود که بیان می‌دارد: «دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند». حال سوالی که در اینجا پیش می‌آید، این است که دلیل قانونگذار، از این شرط چیست؟ به عبارت دیگر، فلسفه حضور مرتکب در جلسه دادگاه چه می‌باشد؟ به نظر نگارنده دلیل و علت اصلی لزوم حضور فرد در دادگاه، تشخیص قیود مواد ۳۹ و ٤٢ لایحه توسط دادگاه می‌باشد. این قیود شامل توجه به جرم ارتکابی و خصوصیات مرتکب، شرایط زندگی او، ملاحظه وضعیت زندگی خانوادگی و اجتماعی، ملاحظه سوابق، اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده... می‌باشد که از نظر قانون گذار با حضور مرتکب در جلسه دادگاه تشخیص این قیود توسط قاضی صادر کننده قرار بهتر صورت می‌گیرد. به هر حال، صدور قرار تعویق صدور حکم به صورت غیابی ناممکن می‌باشد و مرتکب باید در جلسه دادگاه به هنگام صدور قرار تعویق حضور داشته باشد.

همچنین شرایط به اعتبار مرجع قضایی نیز بدین صورت است که:

۱. ابلاغ به شاکی یا مدعی خصوصی:البته این شرط از شرایط شکلی، در مرحله اجرا قابل ترتیب اثر می‌باشد. این شرط در ماده ۷ لایحه آیین دادرسی کیفری بیان گردیده است. در این ماده بیان شده که: « صدور... قرار تعویق تعیین کیفر... و دستور یا دستورات قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌گردد ». بنابراین یکی از شرایطی که در ارتباط با تعویق وجود دارد، ابلاغ این قرار و دستورات صادره و آثار عدم تبعیت از دستورات و یا ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی، توسط قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد. دلیل این امر هم امکان نظارت شاکی یا مدعی خصوصی بر فرد مرتکب و اعلام تخلف از انجام دستورات یا انجام جرم جدید به قاضی اجرای احکام جهت اجرای مقررات مربوطه می‌باشد.
۲. ابلاغ عدم اجرا و ابلاغ به لزوم تبعیت: این مورد هم از مواردی است که در مرحله اجرا و توسط قاضی اجرای احکام باید انجام گیرد. پس از اینکه پرونده برای اجرا به نزد قاضی اجرای احکام ارسال گردید، قاضی اجرای احکام کیفری مرتکب را احضار و دستورات صادره را به وی ابلاغ خواهد نمود. در صورتی که فرد از اجرای دستورات تخلف ورزید و قاضی اجرای احکام به هر نحو از این تخلف مطلع گردید، وی را احضار نموده. و به طور کتبی لزوم تبعیت از دستورات را به متهم اخطار می‌نماید. بنابراین قاضی اجرای احکام در این دو مورد هم باید شرایط شکلی را رعایت کرده و فرد را احضار و به وی مورد آنچه را قانون گذار بیان کرده، ابلاغ نماید.

٦-۲. شرایط شکلی در حقوق انگلیس

زمان اعلام تعلیق به موجب بخش ۳ (۱) قانون عدالت کیفری ۱۹٤۸ و بعداً بخش ۲ (۱) قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳، بعد از اینکه ارتکاب جرمی از ناحیه متهم محرز گردید، دادگاه می‌تواند به جای صدور حکم مجازات، مبادرت به اصدار قرار پروبیشن در مورد وی بنماید. بنابراین دادگاه بدون اینکه در مورد مجازات مجرم تصمیمی اتخاذ کند می‌تواند قرار پروبیشن صادر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نماید. اما در مورد تعلیق مجازات به موجب بخش ۳۹ (۱) قانون عدالت کیفری ۱۹٦۷ و بخش ۲۲ (۱) قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳ قرار تعلیق مجازات پس از محکومیت مجرم به مجازات حبس زیر دو سال در صورت جمع سایر شرایط از سوی دادگاه خواهدشد. [۱] مدت زمان تعویق به موجب قرار پروبیشن بر اساس بخش ۳ (۱) قانون عدالت کیفری ۱۹٤۸ حداقل یک سال و حداکثر سه سال تعیین شده بود که همین مدتها نیز به موجب بخش ۲ (۱) قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳ نیز مورد تنفیذ قرار گرفت اما در حال حاضر مدت پروبیشن به شش ماه کاهش یافته ولی حداکثر آن همان مدت سه سال می‌باشد، ولی در تعلیق مجازات به موجب بخش ۳۹ (۱) قانون ۱۹٤۸ مزبور، حداقل مدت تعلیق یک سال و حداکثر سه سال تعیین شده بود که در سال ۱۹۷۳ بر اساس بخش ۲۲ (۱)، حداقل یک سال برای تعلیق حفظ گردید ولی حداکثر آن به دو سال کاهش یافت که در حال حاضر نیز همینطور است[۲].

۷- آثار رفع تعویق در ایران

پس از صدور قرار تعویق، با توجه به اینکه قاضی صادر کننده بنابر دلایلی صدور حکم محکومیت متهم را جایز نمی‌داند، فرد مرتکب در مدت زمانی مشخص باید مبادرت به انجام دستورات دادگاه نماید. درست است که در این مدت فرد مرتکب آزاد بوده و از مزایای عدم صدور حکم محکومیت برخوردار می‌گردد، ولی به هر حال نوعی التزام فرد و محدودیت برای وی به وجود آمده و آزادی وی به طور نسبی سلب می‌گردد. بنابراین پس از صدور این قرار، مواردی هم باید جهت رفع این قرار وجود داشته باشد که این رفع از قرار یا به صورت صدور حکم معافیت از کیفر یا به صورت صدور حکم محکومیت می‌باشد که در ادامه به بررسی موارد رفع از قرار تعویق صدور حکم اشاره خواهد شد.

۷-۱. ارتکاب جرم

همانطوری که قبلاً بیان نمودیم، چه به هنگام صدور قرار تعویق ساده و چه به هنگام صدور قرار تعویق مراقبتی، یکی از مواردی که متهم کتباً تعهد می‌نماید، این است که در مدت تعویق مرتکب جرم نشود. سوالی که در اینجا متبلور می‌گردد، این است که آیا در صورت ارتکاب هر جرمی، مورد از موارد رفع تعویق خواهد بود؟ در پاسخ باید بیان نمود که ارتکاب هر جرمی موجب رفع تعویق نبوده و مطابق ماده ٤۳ لایحه، در صورتی که فرد مرتکب جرم حد، قصاص، دیه یا تعریز تا درجه هفت گردد، این جرم از موارد رفع قرار تعویق خواهد بود. سوالی که در این جا پیش می‌آید این است که دادگاه چگونه به ارتکاب جرم جدید توسط فرد پی ببرد. در پاسخ می‌توان گفت که پس از ارسال پرونده به واحد اجرای احکام کیفری قاضی اجرای احکام می‌تواند صدور قرار تعویق را در

[۱] – مهرا، نسرین ،نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز، ترجمه ای از گوردون بار گلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره های ۱۷–۱٦، پـاییز ۱۳۷٤، تا بهار ۱۳۷۵، ص ۱۱۲

[۲] – مهرا،نسرین ،پیشین،ص۳۸۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سوءپیشینه وی درج نماید تا در صورتی که ارتکاب جرم جدید، قاضی تحقیقی که به جرم جدید، رسیدگی می‌کند و به صدور قرار تعویق پی می‌برد. مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری محلی که قرار تعویق صادر گردیده، منعکس نموده و قاضی اجرای احکام، در صورتی که جرم ارتکابی، یکی از موارد مذکور در ماده ٤٣ لایحه باشد، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال می‌نماید. البته قاضی اجرای احکام کیفری از طریق دیگر مثل گزارش مددکار اجتماعی یا اعلام شاکی یا مدعی خصوصی نیز به ارتکاب جرم جدید می‌تواند پی ببرد. به هر حال، پس از اعلام ارتکاب جرم جدید، توسط فردی که صدور حکم محکومیت وی می‌باشد و حکم صادره باید در خصوص محکوم علیه اجرا گردد. انتقادی که در اینجا می‌توان به قانون گذار وارد کرد، این است که ارتکاب جرم جدید توسط فرد باید عمدی بوده باشد تا سبب لغو قرار تعویق گردد، ولی با توجه به اطلاق ماده ٤٣ لایحه ارتکاب جرائم مندرج در این ماده چه به صورت عمدی و چه غیر عمدموجب لغو قرار صادره و صدور حکم محکومیت خواهد بود. مثلاً اگر فرد مرتکب یک تصادف رانندگی که از جرایم موجب دیه می‌باشد، قرار صادره باید لغو و نسبت به صدور حکم محکومیت وی اقدام گردد.

۷-۲. عدم رعایت دستورات دادگاه

یکی از موارد دیگر جهت رفع قرار تعویق صدور حکم محکومیت عدم رعایت دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه، توسط فرد مرتکب می‌باشد. مواد ٤-۱۵۵، ۸-۱۵۵ لایحه آیین دادرسی و ٤٣ لایحه قانون مجازات اسلامی به این امر پرداخته است. پس از اینکه پرونده جهت اجرای قرار تعویق به واحد اجرای احکام ارسال گردید، سایر موارد قانونی مانند احضار فرد مرتکب با توجه به گزارشات واصله از اجرای دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه تخلف ورزیده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری وی را احضار و در صورت تکرار تخلف، مراتب را جهت اجرای مقررات مربوط مرجع صادر کننده قرار اعلام می‌دارد. مرجع صادر کننده قرار با توجه به تخلف و گزارشات اختیار دارد که یا برای یک بار نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق بیفزاید، پرونده را مجدداً برای اجرا به واحد اجرا ارسال می‌نماید و در صورت جری مراحل فوق و تکرار تخلف و ارسال مجدد پرونده به دادگاه، در این حالت قاضی مکلف به صدور حکم محکومیت وی می‌باشد. نکته‌ای که در اینجا باید توجه گردد، این است که در صورتی که قاضی دادگاه در مورد فوق (ارتکاب جرم و عدم رعایت دستورات دادگاه) مبادرت به القاء قرار تعویق و صدور حکم محکومیت بنماید، دیگر نمی‌تواند قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر نماید و حکم صادره باید در خصوص فرد محکوم به اجرا گزاره شود (تبصره ماده ٤٣ لایحه).

۷-۳. پایان مدت

یکی دیگر از موارد رفع قرار تعویق صدور حکم، پایان مدت تعویق می‌باشد. قاضی دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم می‌تواند صدور حکم محکومیت وی را به مدت ٦ ماه تا ۲ سال به تعویق بیندازد حال اگر در این مدت فرد مرتکب، به تمام تدابیر و دستورات دادگاه عمل کرده و مرتکب هیچ گونه تخلفی نیز نشده باشد و نیز در طی این مدت مرتکب جرایم موجب حد، قصاص، دیه یا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تعزیر تا درجه هفت نیز نشده باشد. در این حالت قاضی اجرای احکام با توجه به گزارشات واصله، پرونده را به دادگاه صادر کننده قرار تعویق ارسال می‌نماید. در این حالت دادگاه مطابق ماده ٤٤ لایحه با توجه به میزان پای بندی مرتکب به اجرای دستورات دادگاه گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب نسبت به صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌نماید. نکته‌ای که در اینجا باید توجه گردد این است که در این حالت دادگاه ملزم به تشکیل جلسه دادرسی و حضور مرتکب نبوده و می‌تواند در وقت فوق العاده و به صورت غیابی مبادرت به صدور حکم معافیت از کیفر اقدام نماید.

۸- آثار تعویق و رفع آن در حقوق انگلیس

پس از صدور قرار پروبیشن، متهم به رعایت شرایط و الزاماتی که در پیش اشاره شد ملزم می‌شود مطابق بخش ۲ (۲) قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷٤ که در بخش ۳(۲) قانون عدالت کیفری ۱۹٤۸ نیز منعکس بود دادگاه باید در قرار پروبیشن حوزه‌ای را که متهم در آن سکونت می‌کند یا بر حسب تغییرات در آن سکونت خواهد کرد را نام ببرد تا فرد، ملزم به قرار گرفتن تحت نظارت و مراقبت یک مأمور پروبیشن انتصابی و یا مأموری که به آن حوزه اختصاص داده شده، باشد. به موجب بخش ۲ (۷) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۷۳ که در بخش ۳(٦) قانون عدالت کیفری ۱۹٤۸ نیز منعکس بود دادگاهی که مبادرت به صدور قرار پروبیشن می‌نماید باید یک نسخه از قرار مزبور را به مأمورپروبیشنی که در اختیار دادگاه قرار داده شده بدهد. مأمور پروبیشن ملزم است یک نسخه از قرار مزبور را به متهم، یک نسخه به مأمور مراقبت و یک نسخه نیز به متصدی مؤسسه‌ای که فرد ملزم به سکونت در آن است، ارائه دهد. مأمور مراقب مطابق قانون پروبیشن ۱۹٦۵ باید اطمینان حاصل کند که متهم حقوق و تعهدات خود را مطابق قرار پروبیشن درک کرده است. همچنین جز در مواردی که خود دادگاه صادر کننده قرار، دادگاه ناظر باشد باید یک نسخه از قرار مزبور به همراه اسناد و اطلاعاتی که برای دادگاه ناظر سودمند می‌باشد، را برای وی ارسال دارد. چنانچه متهم دوران تعویق را با موفقیت سپری کند، محکومیتی در سابقه کیفری وی منعکس نخواهد شد. این امر تا حدودی مورد توجه مقنن ۱۹۷۰ قرار گرفته بود. اما قانونگذار انگلیس در قانون عدالت کیفری ۱۹٤۸ آن را بطور مفصل و دقیق در بخش ۱۲(۱) و (۲) جای داد که عیناً در قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری ۱۹۷۳ گنجانیده شد. به موجب بخش ۱۳ (۱) قانون ۱۹۷۳ مزبور محکومیت به ارتکاب جرمی که تحت قرار پروبیشن قرار داده می‌شود، جز در جریان اجرای قرار مزبور و یا هر گونه پیامدی که احتمالاً در جریان این قرارها به متهم تحمیل می‌شود، در سابقه محکومیت وی تأثیری نخواهد گذارد[۱]. لیکن مطابق بخش ۱۲(۳) قانون ۱۹۷۳ مزبور، متهمی که در زمان صدور قرار تعویق، ۱۷ سال تمام داشته و متعاقباً پس از لغو قرار، به خاطر جرم مزبور به مجازات محکوم شود، معافیت‌های مربوط به سابقه محکومیت کیفری، بی‌اثر می‌گردد.۱ ملاحظه می‌شود که در پروبیشن انگلیسی، از آنجا که هیچ حکم مجازاتی صادر نمی‌شود، اصولاً سابقه محکومیت برای وی ایجاد نمی‌شود. ولی اگر پروبیشن ناموفق بود و فرد متعاقباً در دادگاه به مجازات محکوم گردد این امر در سابقه وی منعکس شده و آثار سوء سابقه کیفری آغاز می‌شود. الغا قرار تعویق در انگلستان یا به علت نقص الزامات و شرایط

[۱] - J. E. Hall Williams , The English penal system in Transition (London: Butterworth's, 1970)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

می‌باشد یا به موجب حکم دادگاه. اگر مأمور مراقبت مطلع شود که متهم از رعایت الزامات مندرج در قرار تعویق تخلف می‌ورزد می‌بایستی مراتب امر را به دادگاه ناظر و یا قاضی‌ای که در حوزه قضایی مربوطه، برای آن دادگاه کار می‌کند اطلاع دهد. در این صورت دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور احضاریه و یا قرار توقیف به منظور جلب متهم نماید. و چنانچه بر دادگاه محرز گردد که متهم از رعایت الزامات قرار تعویق تخلف ورزیده است می‌تواند بدون قضاوت در مورد ادامه یا قطع جریان تعویق به یکی از سه طریق ذیل عمل نماید:

۱. جریمه‌ای تا مبلغ ۵۰ پونه تحمیل نماید.
۲. در موارد مقتضی متهم را ملزم به حضور در یک مرکز مراقبت نماید.
۳. یا اینکه قرار انجام کارهای عام المنفعه را در مورد وی صادر نماید. [۱]

راه دیگر آن است که به موجب بخش ۷(۲) قانون ۱۹۷۳ دادگاه قرار تعویق را لغو نمود ه و در مورد جرمی که در مورد آن قرار مزبور صادر شده بوده، مبادرت به صدور حکم مجازات نماید. همچنین به موجب رویه قضایی انگلستان دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور یک قرار تعویق دیگر نماید، هر چند که در مجموع متهم بیش از مدت سه سال تحت مراقبت به سر برد. در این صورت قرار اولیه بی اثر می‌گردد[۲]. لغو قرار تعویق ممکن است به علت ارتکاب جرم جدید باشد. به موجب بخش ۸/۱۷ قانون ۱۹۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری اگر بر دادگاهی که قرار تعویق را صادر کرده است محرز گردد که متهم مرتکب جرم دیگری در مدت تعویق شده است دادگاه وی را به خاطر جرمی که قرار تعویق به خاطر آن صادر شده بود به مجازات جرمی که به خاطر آن قرار تعویق صادر شده بود محکوم می‌کند. در کشور انگلستان به موجب بخش ۵(۱) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۷۳ در صورتی که دادگاه طبق گزارشان واصله از مأمور مراقبت رفتار متهم را مناسب و وی را اصلاح شده تشخیص دهد قبل از موعد تعیین شده هم می‌تواند به نظارت و قرار تعویق پایان دهد. به موجب بخش ۱۱ (۱) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۷۳ در صورتی که بنا به درخواست مأمور مراقبت یا متهم، برای دادگاهی که اختیار خاتمه دادن به قرار تعویق را دارد محرز گردد که این قرار دیگر در مورد وی مناسب نبوده و ضرورتی برای ادامه مراقبت و الزامات مربوطه در مورد وی وجود ندارد، دادگاه می‌تواند به جای قرار تعویق، قرار آزادی مشروط (۱) (به مفهوم خاص در حقوق انگلیس) را در مورد جرم اولیه صادر کند به این شرط که متهم از زمان صدور این قرار تا زمانیکه مدت تعویق قبلی خاتمه می‌یابد مرتکب هیچ جرمی نشود. مدت آزادی مشروط نیز همان‌مدت تعویق خواهد بود.[۳] بنابر آنچه گذشت قانونگذار ایران با تأثیر پذیری از فقه اسلامی و حقوق تطبیقی و همچنین با تأثیر پذیری از اسناد بین المللی رویکردی کاملاً متفاوت با گذشته نسبت به جایگزین‌های حبس پیدا نموده است. یکی از این جایگزین‌ها که کاملاً در حقوق و فقه ما بی سابقه می‌باشد، تعویق صدور حکم می‌باشد که با بررسی آن در لوایح قانونگذاری جدید و مطالعه تطبیقی آن با حقوق سایر کشورها می‌توان نتیجه

[۱] - probation Rules 1965,51. 1965 No. 723.r.31.(3)

[۲] - Rv Havant jj, exparte Jacohes {1951} 1 All Er 475 {1957} 1 wLk 365,Dc

[۳] - The New Ency clopedia Britania (u.s.A: Ency clopedia Britanica inc1986) 701: 9,p. 115

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گرفت که جهت نیل به اهداف عالی این نهاد، صرف قانونگذاری کافی نبوده و نیاز به گذشتن از موانع و تدارک لوازم و امکانات بسیاری می‌باشد که در صورت فقدان آنها قانون اجرا نخواهد شد. بنابراین اگر بدون آماده‌سازی بسترهای اجتماعی، فرهنگی و حقوقی، این لوایح به تصویب برسند، امکان عدم اجرای آن بسیار بالا خواهد بود و بیگمان به یک قانون متروک تبدیل خواهد شد علیهذا صرف نظر از تهیه مقدمات اجرای قانون، نفس وجود آن برتری بر عدم وجود آن داشته و با مطالعه لوایح قانونگذاری موجود، این نهاد به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفته و از این حیث یک دست آورد خوب برای قانون گذار تلقی می‌گردد.

نتیجه گیری

نهاد تعویق صدور حکم از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است. فصل پنجم این قانون به بیان شرایط و ضوابط اعمال این نهاد پرداخته است.به موجب ماده ٤٠ ق.م.ا در جرایم موجب تعزیر درجه ٦ تا ٨ به دادگاه اجازه داده شده که پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده با در نظر گرفتن شرایط ذیل ماده، صدور حکم را به مدت ٦ ماه تا ٢ سال به تعویق اندازد. نهاد تعویق صدور حکم با اندیشه‌های جرم‌شناسان مبتنی بر عدالت ترمیمی هماهنگ و همسو می‌باشد و با پیروی از سیاست کیفرزدایی از جرایم کم اهمیت در صدد کاهش احتمال الصاق برچسب مجرمانه به بزهکاران کم خطر است زیرا با تعقیب این هدف ضمن اینکه مجرم متنبه شده و در دوران تعویق به شهروندی قانون مدار تبدیل می‌شود از حضور او در سیستم عدالت کیفری نیز جلوگیری می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نهاد تعویق صدور حکم برای حمایت از مجرمین غیر خطرناک پیش بینی شده و مانع ورود مرتکب جرم به زندان می‌شود که این امر از سویی منجر به کاهش جمعیت کیفری زندان و کاهش هزینه‌های اقتصادی دولت می‌گردد و از سوی دیگر موجب تقویت نوعی خود کنترلی در فرد می‌شود و فرصت اصلاح و بازپروری مرتکب را در مدت تعویق فراهم می‌نماید که این امر می‌تواند زمینه‌ساز جلوگیری از تکرار جرم باشد. لذا از مقایسه مقررات ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با تعویق صدور حکم با قوانین انگلستان چنین استنباط می‌شود که روح حاکم بر آنها توجه به اصلاح و بازسازی بزهکار و جبران خسارت بزه‌دیده است و به تعویق افتادن و معافیت از کیفر اثار چشمگیری در کاهش محکومیت‌ها، کاهش جمعیت زندان‌ها و کاهش هزینه‌های ناشی از اجرای کیفر خواهد داشت. البته با وجود شباهت کلی میان قواعد تعویق، تمایزهایی میان آنها دیده می‌شود از جمله اینکه در انگلستان رضایت مجرم از شرایط تعویق صدور حکم است ولی در ایران چنین شرطی لحاظ نشده است. ضمناً باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که هیچ تاسیس جدیدی در قانون عاری از ایراد و ابهام نمی‌باشد و همواره با مشکلات و موانع و انتقاداتی مواجه است و نهاد تعویق صدور حکم نیز از این قاعده مستثنی نیست.

منابع

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

- توجهی، عبدالعلی، کوره پز، حسین محمد، درامدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم،۱۳۹۲.
- توجهی، عبدالعلی، کوره‌پز، محمدحسین، درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه، پژوهش حقوق کیفری سال دوم زمستان ۱۳۹۲ شماره ۵
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، چاپ دوازدهم، انتشارات شهر دانش، تهران سال ۱۳۹۰
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸٦
- ساقیان، محمدمهدی، پیشگیری از تکرار جرم از گذر جانشین‌های تعقیب کیفری، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، ج اوّل، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۱
- ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، چاپ اوّل، انتشارات میزان، تهران ۱۳۹۱
- ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، چاپ اوّل، انتشارات میزان، تهران ۱۳۹۱
- شکرچی زاده،محسن، آئین دادرسی کیفری انگلستان: قاعده اقتضاء تعقیب،انتشارات مجد،۱۳۹
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، زمستان چاپ ششم، جلد دوّم، ۱۳۸۳
- شیدائیان، مهدی، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام، رساله دکتری دانشکده پردیس قم، ۱۳۸۸.
- عالی‌پور، حسن، توحیدی نافع، جلال، تعویق صدور حکم: تأخیر در اجرای عدالت یا تغییر در اجرای عدالت. مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دوره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹٤ شماره ٤ و ۵.
- فرج اللهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، چاپ نخست، نشر میزان، سال ۱۳۸۹
- مهرا، نسرین، سبزواری نژاد، حجت (۱۳۹۰)، ابعاد جبران خسارت قربانی جرم در حقوقی کیفری انگلستان: مجله تحقیقات حقوقی،۱٦۸۱۲۹.
- مهرا، نسرین، نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز، ترجمه ای از گوردون بار گلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۱۷-۱٦، پـاییز ۱۳۷٤، تا بهار ۱۳۷۵
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات مباحثی در علوم جنایی (نظریه‌های جرم شناسی)، (به کوشش شهرام ابراهیمی)، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویراست هفتم، آذرماه ۱۳۹۱
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات مباحثی در علوم جنایی (نظریه‌های جرم شناسی)، (به کوشش شهرام ابراهیمی)، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویراست هفتم، آذرماه ۱۳۹۱
- نیازپور، امیرحسین، توافقی شدن ایین دادرسی کیفری،انتشارات میزان،چاپ اول، ۱۳۹۰
- همت‌یار، عبدالحمید، بررسی تطبیقی انواع مجازات‌ها در نظام حقوقی ایران و انگلستان، مجله: کارآگاه، بهار ۱۳۹۱، سال پنجم، شماره ۱۸
- J. E. Hall Williams , The English penal system in Transition (London: Butterworth's, 1970)
- probation Rules 1965,51. 1965 No. 723.r.31.(3)
- Rv Havant jj, exparte Jacohes (1951) 1 All Er 475 {1957} 1 wLk 365,Dc
- The New Ency clopedia Britania (u.s.A: Ency clopedia Britanica inc1986) 701: 9,p. 115

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

A Comparative Study of Deferral of Sentencing in the Criminal Law of Iran & England (Challenges and solutions)

Hediyeh Forouzanfard[1]

Abstract

Imprisonment is one of the social reactions that is applied after the death penalty in order to fight against criminals and create order and security. This punishment was considered as the most suitable successor in the 18th century. Attorneys' attention has been drawn to the fact that this indicates the failure of prisons as a single place in the rehabilitation and correction of convicted offenders, which is the most important goal of punishment. Finally, it depends on the court's conviction of the success or failure of the offender after assessing compliance with legal requirements, which, as the case may be, can be exempt from punishment or sentencing. Crime and prosecution have provided for a number of institutions and principles until the sentence is handed down and enforced. The principle of the status of being prosecuted, suspension of prosecution, postponement of sentencing, suspension of punishment and parole are some of these principles. Among these institutions, the institution of suspension of prosecution, which is one of the examples of the principle of location of prosecution, and the institution of suspension of sentencing are very effective in removing imprisonment and providing the most important goals of the criminal justice system. This dissertation deals with the laws passed on the suspension of prosecution and adjournment of sentencing in Iran and its comparative study with the laws of the United Kingdom and their conditions and effects. There are some studies that show the closeness of this institution's approach in the countries under study by library research and by analyzing the laws of the two countries, and the main basis of this institution, which is to prevent the effects of imprisonment, has been able to in both countries. In addition, crime without punishment does not make sense to significantly reduce its negative effects and adverse effects in both countries.

Keywords: Postponement of sentence, Islamic Penal Code, English law, Non-hazardous offenders, Criminal label

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[1] Graduate of Criminal Science and Criminology, Azad University of Mashhad (Corresponding Author)
hedieh.fzn.law@gmail.com